

ابعاد توسعه درون‌زا در شهرستان‌های چابهار و کنارک با رویکرد

سیاسی-اقتصادی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

فرشاد مؤمنی^۱

یداله کریمی پور^۲

حسن افراخته^۳

حوا ولی زاده^۴

چکیده

شهرستان‌های چابهار و کنارک در استان سیستان و بلوچستان جزء منطقه مکران هستند که به عنوان محور ترانزیتی طرح توسعه جنوب شرق مطرح است. اهمیت منطقه به عنوان یک راه ترانزیتی و بازار اقتصادی برای کشورهای چین، هند، افغانستان و جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، داشتن ظرفیت‌های فراوان در زمینه صنایع شیلاتی و گردشگری دریایی و موقعیت ویژه این منطقه که نقش ژئوپولیتیک با اهمیتی به آن بخشیده است؛ از مهمترین مزیت‌های این منطقه است که می‌تواند شرایط اقتصادی خوبی برای منطقه، استان و کشور به همراه داشته باشد. این پژوهش توسعه درون‌زا در شهرستان‌های چابهار و کنارک را بر اساس سه بعد ادغام ملی، رقابت پذیری بین‌المللی و تشخیص منطقه‌ای با روش تفسیری از نوع کیفی مورد بحث و بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در غیاب یک برنامه راه‌گشای توسعه درون‌زا و استمرار بلامتکلیفی‌ها، بخش قابل توجهی از مزیت‌های این منطقه در شرایط کنونی همچنان بلا استفاده باقی خواهد ماند و نیروی محرکه استمرار فقر و عقب‌ماندگی خواهد شد. ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی، زمینی

۱ استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران farshsd.momeni@gmail.com

۲ استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران a_karimipoor@yahoo.com

۳ استاد جغرافیای روستایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران afrakhtehh@yahoo.com

۴ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hava.valizadeh@yahoo.com

و دریایی علاوه بر اینکه باعث انزوای بیشتر منطقه از کشور شده است موفقیت چندانی در بهره‌گیری از امتیازات ژئواستراتژیکی خود به ویژه ترانزیت کالا به خارج نیز برای منطقه نداشته است. عملی نشدن سرمایه‌گذاری هند در منطقه که ممکن است باعث تضعیف هرچه بیشتر موقعیت ترانزیتی و ژئوپولیتیکی منطقه در آینده شود و نداشتن رویکرد مشخص برای جلب مشارکت مردم بومی که باعث سرخوردگی، ناامیدی و ضعیف شدن سرمایه اجتماعی در این منطقه شده است، از مهمترین چالش‌های منطقه بر اساس یافته‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: توسعه درون‌زا، رقابت‌پذیری بین‌المللی، ادغام ملی، تشخیص منطقه‌ای، چابهار و کنارک

شهرستان‌های چابهار و کنارک در منطقه بلوچستان استان سیستان و بلوچستان قرار دارند و جزء ناحیه استراتژیک و مهم مکران به حساب می‌آیند. این منطقه به دلیل موقعیت ممتاز و ویژه استراتژیکی، با دارا بودن ۳۰۰ کیلومتر مرز دریایی در دریای عمان، دروازه کشور جهت ورود به آب‌های بین‌المللی و مبدأ مسیرهای ترانزیتی غیرقابل رقابت در داخل است و یکی از مهمترین مراکز رقابت در جهان است به گونه‌ای که بندر چابهار که در این منطقه واقع شده است دارای موقعیت ویژه برای کشورهای هند و آسیای مرکزی است در مقابل بندر گوادر به عنوان رقیب چابهار در بلوچستان پاکستان واقع شده است که آن نیز برای چین دارای اهمیت استراتژیک است. در مجموع، موقعیت ویژه دریایی - بندرگاهی منطقه از نظر داشتن مرز آبی وسیع در دریای عمان و همچنین موقعیت استراتژیکی منطقه به لحاظ استقرار در خارج از تنگه هرمز، واقع بودن در دهانه اقیانوس هند و اهمیت آن به عنوان یک راه ترانزیتی و بازار اقتصادی برای کشورهای هند، افغانستان و جمهوریهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی (مدیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۴) می‌تواند شرایط اقتصادی خوبی برای منطقه، استان و کشور به همراه داشته باشد. با این وجود این منطقه در زمره توسعه نیافته‌ترین مناطق کشور است به گونه‌ای که در سند ملی توسعه استان سیستان و بلوچستان مهمترین مشکلات استان (که شامل شهرستان‌های چابهار و کنارک نیز هست) محرومیت در زمینه زیربناها و شکاف گسترده در مقایسه با سطح ملی علیرغم سرمایه‌گذاری‌های زیاد برای توسعه آن‌ها عنوان شده است (سند آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸). تاکنون تلاش‌های گسترده تاریخی زیادی برای ایجاد تحول در آن منطقه شده است. به گونه‌ای که در نیمه دوم قرن بیستم طرح توسعه این منطقه از زمان محمدرضا شاه پهلوی مطرح شده است، بعد از جنگ هشت ساله ایران و عراق و درک ابعاد جدید اهمیت استراتژیک چابهار، توسعه این منطقه در دستور کار قرار گرفت و در سال ۱۳۷۱ در چابهار منطقه آزاد تجاری تاسیس شد و حکومت به دنبال توسعه این منطقه با کمک سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی برآمده است (عملکرد و برنامه‌های توسعه منطقه آزاد چابهار، ۱۳۸۱: ۵۵). اهمیت این منطقه از جنبه‌های مختلف نیز مورد پژوهش قرار گرفته است. افراخته (۱۳۷۵)، نقش چابهار در ناحیه ساحلی جنوب شرق ایران، طبق

این پژوهش عملکرد شهر چابهار در ناحیه ضعیف و نتوانسته شکوفایی اقتصادی - تجاری ناحیه را موجب شود تا خود نیز از این شکوفایی بهره برد. کریمی پور (۱۳۸۸)، ژئوپولیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM)، این پژوهش، ضمن بررسی کارکردها، قابلیت‌های و چالش‌های کرانه‌های ایران، بیان کرده است که بیشتر استان‌های پیرامونی از جمله استان‌های ساحلی از نظرگاه شاخص‌های توسعه یافتگی در نوعی عقب‌ماندگی مضاعف به سر می‌برند؛ در حالی که توسعه پایدار ساحلی در گرو دستیابی به آرامش پایدار، ارتقای سطح زندگی ساحل‌نشینان، دسترسی به دریای پاک و حفظ بهبود محیط زیست ساحلی و زیست‌بوم‌های آن، ارتقای سواحل و بنادر به سکوها و مبادی ترانزیت کالاهای ایرانی و کشورهای همسایه و .. است. همچنین امنیت سواحل در گرو امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است.

نصیری (۱۳۹۲)، تعامل منطقه‌ای، ملی و جهانی؛ ظرفیت سازی پایدار برای توسعه و امنیت ملی با تاکید بر محور شرق و چابهار، طبق این پژوهش محور شرق به علت ضعف‌ها و آثار تشدید کننده و متراکم متغیرهای عقب برنده، در تله محرومیت و مدار تسلسلی بسته و ایستا گرفتار است و این شرایط نامناسب، منطقه را به شدت آسیب‌پذیر و در معرض تهدیدهای مختلف قرار داده است. در حالی که به اعتبار ظرفیت‌های متنوع، تعیین کننده و پرتعداد منطقه و نیز به پشتوانه ظرفیت‌های گوناگون، ممتاز و فراوان ملی (قوت‌ها)، با بهره‌گیری بهینه از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قادر است سرنوشت دیگری را رقم زده و در پرتو راهبردها و تدابیر آینده‌نگر خلاق و متناسب و شکل‌دهی به مداری پویا و هم‌افزا نه تنها خود به رونق، آبادانی، رفاه و پایداری توسعه و امنیت نائل آید، بلکه در شکل‌دهی به بالندگی، شکوفایی و پایداری توسعه و امنیت ملی نقشی موثر ایفا کند. طرح ویژه توسعه سواحل مکران (۱۳۹۶)، طبق این پژوهش محرک‌های توسعه منطقه می‌تواند هم از درون توسعه درون‌زا و هم توسعه برون‌زا سر برآورد و نهایتاً توسعه فضایی متوازن و پایدار ساحلی را رقم بزند. حال سؤال این است چرا با اینکه حکومت به آن منطقه توجه ویژه دارد و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در آنجا می‌شود این منطقه همچنان در زمره توسعه نیافته‌ترین مناطق کشور است. در این پژوهش روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق اسنادی و بر مصاحبه هدفمند با نخبگان و مردم بومی به عمل آمده است و بر اساس سه معیار توسعه

درونزا شامل تشخیص منطقه‌ای، رقابت پذیری بین‌المللی و ادغام ملی مورد تحلیل قرار گرفته است. در تشخیص منطقه‌ای به اعتبار ریشه‌های تاریخی، فرهنگی - اقلیمی منطقه و بر محور ارزیابی‌های آینده شناختی و درکی که از دل آن بر می‌آید برای خلق مزیت در آینده؛ در رقابت‌پذیری بین‌المللی بر توان رقابت منطقه در سطح منطقه‌ای و در بحث ادغام ملی به اعتبار این ملاحظات که برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای باید پیوندهای ارگانیک با یکدیگر را در مرکز توجه قرار قرار دهند به موضوع پرداخته شده است.

۲- ادبیات پژوهش و چارچوب نظری

۲-۱- توسعه درونزا

در آغاز دهه ۱۹۸۰، دو برنامه تحقیقاتی همگرا شدند تا موجب شکل‌گیری پارادایم شناخته شده‌ای با عنوان توسعه درونزا شوند. یکی از این برنامه‌ها رویکردی نظری بود، که از واکنش به جستجوی یک مفهوم توسعه که اقدامات عمومی در مناطق توسعه نیافته را تعریف می‌کرد سرچشمه گرفت. دیگری یک مدل توسعه تجربی بود که در نتیجه تفسیر توسعه صنعتی در موقعیت‌ها و مناطق اروپای جنوبی به وجود آمده بود (Friedmann and Douglas, 1978; Stohr, 1981). در واقع این تعبیر از هم‌تاثیری دو خط‌مشی از اکتشافات برگرفته می‌شود. یکی در نتیجه تلاش برای یافتن مفهومی از پیشرفت که اجازه فعالیت و اقدام برای توسعه سرزمین‌های عقب‌مانده و دیگری استفاده از پتانسیل‌های موجود برای پیشرفت بومی یک جامعه محلی و منطقه‌ای است (Vazquez Barquero, 2007: 187). توسعه درونزا واکنشی در برابر عدم رضایت از الگوی توسعه است، که پیشنهاد متداول در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود (vazquez-barquero, 2002)، یک رویکرد داوطلبانه (و مطمئناً آرمانگرایانه) به توسعه. این رویکرد نمایانگر جستجوی پارادایم جدیدی است که در سه مساله بزرگ به روشنی بیان شده است: مفهوم توسعه، سازوکارهایی که به نفع فرآیندهای توسعه هستند و سرانجام کارآمدترین اقدامات کنش‌گران اقتصادی و اجتماعی (Aydolot, 1985). توسعه درونزا اما تنها به بهبود جایگاه سیستم تولید محلی در تقسیم بین‌المللی یا ملی کار مرتبط نیست بلکه به بهزیستی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کل جامعه محلی مرتبط است. بنابراین، این راهبرد توسعه نه تنها بهبود جنبه تولیدی (کشاورزی، صنعتی، خدمات) بلکه ارتقا ابعاد اجتماعی

و فرهنگی تأثیرگذار بر بهزیستی جامعه را پیشنهاد می‌کند (vazquez-barquero, 2002). آنچه درباره توسعه درون‌زا دارای ارزش است، تأکید بر اهمیت عوامل محلی^۱ در برابر عوامل بیرونی در خلق و حفظ توسعه باثبات و پایدار است؛ به این دلیل، مدل‌های توسعه درون‌زا نقشی فعال برای سیاست عمومی^۲ و بازیگران بومی^۳ در ترویج و توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرند (استیمسون و استاو، ۱۳۹۷: ۷۲). چنین رهیافتی فرض را بر این می‌گیرد که راه‌حل جهان شمول توسعه و الگویی واحد برای رسیدن به آن وجود ندارد. سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه از کشوری به کشور دیگر و از وضعیتی به وضعیت دیگر فرق می‌کند. هر توسعه‌ای مستلزم تغییر است و توسعه‌ای که به مدرن کردن جامعه می‌انديشد بدون تغییرات عمیقی که در ساختارهای اجتماعی - فرهنگی آن‌ها به وجود می‌آورد، عملی نخواهد شد. برای اینکه این دگرگونی موفقیت‌آمیز باشد باید از نیروهای داخلی جامعه نشأت بگیرد، گرچه ممکن است از سوی نیروهای خارجی نیز برانگیخته شده یا تحت تأثیر قرار گیرد (UNESCO, 1997: 12). مشارکت مردمی، شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه درون‌زاست؛ توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواسته‌های واقعی مردم و با مضمون خاص هر جامعه سازگار شده است (Caotri, 1986: 58-60). حداقل سه بعد در فرآیندهای توسعه درون‌زا قابل شناسایی است. یکی از آن‌ها بُعد اقتصادی است که مشخصه آن یک سیستم تولید ویژه است که به کارآفرینان محلی امکان استفاده کارآمد از عوامل تولیدی و رسیدن به سطوح بهره‌وری را که آن‌ها را در بازار رقابتی می‌کند، می‌دهد. یکی دیگر از ابعاد، بُعد نهادی است که در آن کنش‌گران اقتصادی و اجتماعی در نهادهای محلی ادغام می‌شوند و بنابراین سیستم پیچیده‌ای از روابط را شکل می‌دهند، که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را در فرایند توسعه می‌گنجانند. یکی دیگر از این ابعاد، بُعد سیاسی است که مجهز به برنامه‌های ابتکاری محلی است و منجر به ایجاد یک محیط محلی می‌شود که تولید را تحریک می‌کند و باعث ایجاد توسعه پایدار می‌شود (Arocena, 1995). به طور کلی سازوکارهای اصلی برای توسعه درون‌زا در سطح محلی و منطقه‌ای ترکیب و ادغام منافع ملی و منطقه‌ای؛ با استفاده از منابع منطقه‌ای و با هدف منافع ملی منطقه‌ای است. بنابراین توسعه درون‌زا در هر منطقه باید بر اساس منابع و مزیت‌های آن منطقه همراه با پیوندهای اعتلا بخش با نظام ملی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به ویژگی جغرافیایی و ژئوپولیتیک ویژه منطقه مورد پژوهش

و درک این شرایط که منطقه از نظر قومی - مذهبی تا حدودی از بدنه کشور مجزاست و دارای عقبه برون مرزی نیز می‌باشد و فاصله جغرافیایی نیز آن را تشدید کرده است؛ بنابراین در این پژوهش توسعه درونزا با تاکید بر سه بعد رقابت پذیری بین‌المللی، تشخیص منطقه‌ای و ادغام ملی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- تشخیص منطقه‌ای

تشخیص منطقه‌ای دو جنبه دارد. اول آنچه به اعتبار ریشه‌های تاریخی، فرهنگی □ اقلیمی منطقه اقتضاء می‌کند و موضوعیت دارد و دوم بر محور ارزیابی‌های آینده شناختی و درکی که از دل آن بر می‌آید برای خلق مزیت در آینده. هر منطقه جغرافیایی پتانسیل‌ها و مزیت‌های خاص خود را دارد. در واقع نقطه شروع توسعه یک منطقه یا موقعیت، منابع (اقتصادی، انسانی، نهادی و فرهنگی) هستند که پتانسیل آن برای توسعه را شکل می‌دهند. جوامع محلی هویت‌های خاص خود را دارند که آن‌ها را به سمت آغاز برنامه‌های ابتکاری برای توسعه سوق می‌دهند. هنگامی که توانایی سازمانی آن‌ها توسعه می‌یابد، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند پتانسیل توسعه محلی را تقویت کرده و روند توسعه آنها را تقویت کنند. این توانایی برای توسعه دادن خود و بسیج کردن پتانسیل اقتصادی از ویژگی‌های بارز مفهوم توسعه درونزا است. توسعه درونزا بسته به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های هر اقتصاد و جامعه محلی می‌تواند به مسیرهای مختلف توسعه منتهی شود. این دیدگاه رویکردی قلمرویی به توسعه و عملکرد سیستم تولیدی است. قلمرو دیگر جایی نیست که منابع و فعالیت‌های اقتصادی در آن قرار دارند. آن را می‌توان به عنوان یک عامل تحول تصور کرد زیرا شرکت‌ها و دیگر کنش‌گران قلمرو برای توسعه اقتصاد و جامعه در تعامل هستند. از این رو توسعه درونزای منطقه‌ای را می‌توان یک روند رشد اقتصادی و تغییر ساختاری دانست، که توسط جامعه محلی هدایت می‌شود و از پتانسیل خود برای توسعه در راستای بهبود سطح زندگی مردم محلی استفاده می‌کند (Ibid). درونزا شدن توسعه به امکان-پذیری، تحقق و عینیت بخشی به آینده پژوهی و خلق مزیت بر اساس ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌کند هم منجر می‌شود.

۲-۳- رقابت پذیری بین‌المللی

برتری خواهی یا سلطه‌جویی، یا ایجاد کنترل بر امور منطقه، بخشی از جهان یا بر همه

جهان که در اصطلاح هجمونی^۴ (به تلفظ انگلیسی)، و هژمونی به تلفظ فرانسوی گفته می‌شود هدف اصلی در بازی‌های ژئوپولیتیک است. در واقع قدرت و رقابت‌های قدرتی برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپولیتیک پویا بوده است عمده توجه ژئوپولیتیک به رقابت میان قدرت‌های سیاسی و اشکال دگرگون شونده سلسله مراتب قدرت در جهان است؛ سلسله مراتبی که دستاورد بازی‌های سیاسی منطقه‌ای یا جهانی میان قدرت‌هاست (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۷۳). در این میان تنها آن دسته از قلمروهایی در کانون توجه ژئوپولیتیک است که میدان و صحنه رقابت دست کم دو بازیگر مستقل است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۸). در این راه ژئوپولیتیک از موقعیت‌های جغرافیایی زمین، حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی استفاده می‌کند تا سیاست خارجی حکومت را پیش برد یا برتری خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامعه عمل بپوشاند. موقعیت‌های ژئوپولیتیک در مناطق گوناگون یا در کشورها، معمولاً منابع و امکاناتی که توجه قدرت‌ها را جلب نماید، مانند منابع طبیعی معدنی و ثروتی، یا واقع شدن بر سر راه‌های عمده بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا یا قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس استراتژیک، نقش عمده‌ای در طرح ریزی‌های سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی دارند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۹). کلید اصلی ماجرا این است که تنها با ارتقاء توان رقابت در سطح ملی و منطقه‌ای می‌توان از منازعات هژمونیک سربلند بیرون آمد و مناطق مرزی می‌توانند نقش برجسته‌ای در این زمینه ایفاء نمایند. بنابراین باید این ملاحظات را نیز در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای بگنجانند.

۲-۴- ادغام ملی

انتخاب استراتژی توسعه قویاً متأثر از ایدئولوژی و علائق مادی گروه حاکم بر یک کشور است (گریفین، ۱۳۷۵: ۳۲۵). اگر دولت، دولتی غریبه و بیگانه با مردم خود نباشد و به نیازهای مردم پاسخ گوید و در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی در تعقیب استراتژی توسعه مورد انتخاب خود آزاد باشد، رشد و توسعه امکان‌پذیر است (همان: ۲۱). ملت‌سازی و توسعه (اقتصادی) باید دست در دست هم پیش بروند و هریک در ایجاد احساس عمیق‌تری از رفاه و نیز در تحقق اهداف مشترک تعهد نسبت به نظم مستقر مدد رسانند. مع‌هذا، در برخی شرایط خط‌مشی اقتصادی ممکن است ایجاد یک اجماع سیاسی را دشوارتر کند. این

امر ممکن است به دلایل زیر رخ دهد: سیاست اقتصادی در افزایش میانگین استانداردهای زندگی شکست بخورد، از اصلاح نابرابری‌های موروثی درماند و حتی آن‌ها را تشدید کند، گروه‌های مهم جامعه را به فقر کشاند یا به طرق دیگر آن‌ها را به حاشیه براند، یا بخشی از ائتلاف حکومتی را ناراضی کند و آن را به آنجا کشاند که مشروعیت حکومت و حتی کل دولت را به زیر سؤال برد. از این روست که استراتژی توسعه اقتصادی این قدر اهمیت دارد (همان: ۴۷). همبستگی و اتحاد ملی، از یک‌سو ناشی از پیوند ساختی و ارتباط متقابل ساخت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه‌ای و از سوی دیگر نتیجه بلافصل ارتقای سطح تعاملات انسانی میان اعضای اجتماع و تحکیم سطح علایق و اعتقاد آن‌ها به سرنوشت مشترک است که نه تنها تنسيق امور عمومی را تسهیل می‌نماید، بلکه بقای روابط اجتماعی و اعمال اقتدار عمومی را در چارچوب جامعه سیاسی از حیث روابط درونی و بیرونی (حاکمیت دولت و در دولت) تضمین (مطلبی، ۱۳۸۶: ۸۴). دورکهایم همبستگی موجود در جوامع سنتی و پیشامدرن را، که عموماً مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ مشترک میان اعضای جامعه می‌باشد، همبستگی مکانیکی نامیده است. در مقابل و در جوامع پیشرفته‌تر، که تقسیم کار و تمایز اجتماعی نقش‌ها در آن‌ها وجود دارد، همبستگی ارگانیکی جانشین همبستگی مکانیکی می‌شود.

در همبستگی مکانیکی^۵ فرد به خودش تعلق ندارد، بلکه به تمام معنا در حکمشی متعلق به جامعه است. این نوع از همبستگی ارتباط مستقیمی با وجدان جمعی دارد. در واقع، در اینجا شاخص مهم همبستگی مکانیکی، تشابه و همانندی بیش از حد اعضای آن است؛ یعنی در این نوع جوامع همه یک مذهب را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند و فرقه‌گرایی و اختلاف عقاید معمول نیست؛ زیرا جامعه تحمل آن را ندارد و همه چیز از اخلاق تا حقوق، تابع عقاید مذهبی قوم و قبیله است. بدین ترتیب همانندی اعضا، شدت روح جمعی، شکل توده‌ای جامعه، تسلط روابط خونی و هم تباری از شاخص‌های همبستگی مکانیکی است (قرشی و صادقی اول، ۱۳۹۷: ۲۰۲). هنگامی که این شکل از همبستگی بر جامعه مسلط باشد، افراد جامعه چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. آنان که اعضای یک اجتماع واحد هستند همانندند و احساسات واحدی دارند؛ زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته‌اند و مفهوم مشترکی از تقدس دارند. جامعه از این‌رو منسجم است که افراد آن هنوز تمایز

اجتماعی پیدا نکرده‌اند (آرون، ۱۳۶۷: ۱۶). همبستگی ارگانیکی^۶ به عنوان ویژگی جوامع جدید، همبستگی بسیار پیچیده‌ای است که در آن شکل اساسی رابطه مردم، احساس ساده تعلق به یکدیگر نیست بلکه شبکه پیچیده‌ای از روابط قراردادی است که بر اساس تعقل و قانون تشکیل و تداوم پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۶۳: ۲۳). در جوامع مبتنی بر روابط ارگانیکی، ساختار اجتماعی متحول، و روابط پیچیده‌ای در سطح اجتماع ظاهر می‌شود. به گونه‌ای که قراردادهای اجتماعی، جانشین اجبارها و الزامات قومی و خانوادگی می‌گردد و همچنین هنجارها و ارزش‌ها و باورهای سنتی رو به زوال می‌رود و در اینجا نیاز به یک نیروی حاکم که بتواند مانع ضعف و فتور اخلاقی شود، احساس می‌شود که این امر خود نیازمند نوعی وفاق اخلاقی است که به وسیله آن در میان افراد جامعه، حس وظیفه شناسی و وفاداری و هم چنین همکاری اجتماعی و انضباط رفتاری پرورش یابد. به همین دلیل، اساس علمی جامعه ارگانیکی مستلزم اذهان کاملاً پرورش یافته و تفکیک اجزا و امور آن مستلزم متوازن کردن توافقات اخلاقی با تخصص فنی و آموزش علمی است (علاقه‌بند، ۱۳۸۰: ۱۶۹). به اعتبار این ملاحظات است که برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای اگر مسئله پیوندهای ارگانیکی با یکدیگر را در مرکز توجه قرار قرار نداده باشند، هر دو محکوم به شکست خواهند بود و این مسئله در مورد توسعه درون‌زای چابهار و کنارک و در سطح بالاتر استان سیستان و بلوچستان نیز موضوعیت دارد و باید یک رکن مهم برنامه‌ریزی‌ها باشد.

۳- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش توسعه درون‌زا با تاکید بر سه بعد رقابت‌پذیری بین‌المللی، تشخیص منطقه‌ای و ادغام ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. انتخاب ابعاد توسعه درون‌زا در این منطقه با توجه به ملاحظات زیر انجام گرفته است:

بعد ادغام ملی: منطقه مورد پژوهش از لحاظ مذهبی، زبانی و بافت ویژه اجتماعی تا حدودی از بدنه اصلی کشور متفاوت است و دارای شاخص‌های واگرا و مرکز‌گرای است. بلوچ‌ها نسبت به سایر گروه‌های قومی ایران، دارای زمینه‌های پرشمار برای واگرایی هستند. مذهب حنفی از یک‌سو زمینه واگرایی بلوچ‌ها نسبت به اکثریت شیعی ایران بوده

و از سوی دیگر زمینه نوعی همگرایی با حنفی مذهب‌های شبه‌قاره و حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس به وجود آورده است. تفاوت‌های زبانی نیز این پیوند را مستحکم می‌سازد، زیرا بلوچ‌های ایرانی با بلوچ‌های بلوچستان پاکستان و بلوچ‌های افغانستان در آن سوی مرزهای بین‌المللی قادر به ایجاد ارتباط زبانی هستند. بعد بزرگ مسافت نیز میان این منطقه با سایر نواحی کشور فاصله انداخته است و اندک بودن سکونتگاه‌های شهری-روستایی میان استان سیستان و بلوچستان (شهرستان‌های چابهار و کنارک) و استان‌های هم‌جوار، زمینه‌ی انزوای جغرافیایی این منطقه را فراهم آورده است. در همین زمینه می‌توان اشاره کرد که، متوسط فاصله سکونتگاه‌ها در استان سیستان و بلوچستان بیش از سه برابر متوسط ملی است و چابهار و کنارک دارای دورترین فاصله با تهران هستند. این انزوای جغرافیایی با ضعیف و ناکارآمدن بودن شبکه‌ی ارتباطی درونی و بیرونی تثبیت شده است.

بعد تشخیص منطقه‌ای: این منطقه به دلیل استقرار در کنار دریای عمان از دیر باز کانون داد و ستد، تجارت و دریانوردی بوده است و دارای مزیت‌های ترانزیتی، صنعتی، حمل و نقل (دریایی و زمینی)، کشاورزی (بویژه شیلات و آبی‌پروری و محصولات گرمسیری لوکس) و گردشگری تاریخی، طبیعی (دریایی و کویری) است. چابهار و کنارک ۳۰۰ کیلومتر مرز دریایی در دریای عمان دارند که مهمترین مرز دریایی کشور است و اتصال کشور به اقیانوس هند و دریای عمان از اینجا صورت می‌گیرد. دسترسی منطقه به دریای آزاد و دارا بودن شرایط لازم برای عبور کالاهای صادراتی کشورهای همسایه از طریق بندر چابهار مزیت ترانزیتی عالی برای منطقه است.

رقابت پذیری بین‌المللی: موقعیت جغرافیایی منطقه بویژه مجاورت با آب‌های بین‌المللی واجد نقش‌آفرینی ژئوپولیتیکی است که این منطقه، بویژه خلیج چابهار را در مرکز توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داده است.

۳-۱- تشخیص منطقه‌ای

این منطقه به دلیل استقرار در کنار دریای عمان از دیر باز کانون داد و ستد، تجارت و دریانوردی بوده است و دارای مزیت‌های ژئوپولیتیکی، ترانزیتی، صنعتی، حمل و نقل (دریایی و زمینی)، کشاورزی (بویژه شیلات و آبی‌پروری و محصولات گرمسیری لوکس) و گردشگری تاریخی، طبیعی (دریایی و کویری) است. جاذبه‌های بکر و کم‌نظیر طبیعی به

همراه جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی منطقه پتانسیل بالایی برای جذب هزاران گردشگر را دارا است و این یکی از بخش‌هایی است که می‌تواند در توسعه و رشد اقتصادی منطقه تاثیرگذار باشد. در برنامه ملی توسعه گردشگری ایران، چابهار به عنوان مرکزی برای استقرار دستگاه‌های دولتی در منطقه، مرکز برگزاری گردهمایی‌ها، مرکز تجارت و همچنین به عنوان ناحیه بالقوه گردشگری معرفی شده است. از مهمترین جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی منطقه می‌توان به سواحل زیبای دریا، تالاب لیپار (صورتی)، گل‌فشان‌ها، کوه‌های میناتوری یا مریخی، سواحل ماسه‌ای، خلیج زیبای گواتر، شبه جزیره گوردیم، بندرهای تاریخی تیس، رمین، پسابندر، مسجد جامع تیس، مسجد جامع دزک و باغستان‌های میوه‌های گرمسیری زرا‌باد اشاره کرد. با این وجود این منطقه در زمینه تسهیلات گردشگری وضعیت مطلوبی ندارد. به گونه‌ایی که دو شهرستان دارای دو هتل جهت تسهیلات گردشگری با ۲۷ اتاق و ۸۴ تخت و دارای یک دفتر خدمات مسافرتی و تورگردانی هستند که در چابهار قرار دارند و در شهرستان کنارک هیچ تسهیلات گردشگری وجود ندارد. نبود زیرساخت‌های اساسی در زمینه راه‌ها و ضعف در ارائه خدمات گردشگری، بدشناساندن استان (به‌خصوص بلوچ‌ها) به گونه‌ایی که در بعضی فیلم‌ها استان را جوری نشان می‌داد که همه در قاچاق فعال هستند و همه چیز استان با قاچاق و خشونت آمیخته است و مشکلات امنیتی از عواملی هستند که باعث شده است گردشگر به این منطقه سفر نکند یا کمتر سفر کند و این منطقه نتوانسته است تا الان از این پتانسیل بهره‌بردارد. «استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۸ در لیست پنج استان کم گردشگر کشور قرار داشت که در درو اول سفرهای نوروزی استان تنها میزبان ۶ هزار گردشگر بود در حالی که بوشهر با بیش از یک میلیون گردشگر در همان زمان در صدر استان‌های توریست‌پذیر بود» (محمدی، ۱۳۹۸: کارت سبز ورود گردشگران به چابهار. قابل دسترسی در (www.eghtesadonline.com)).

از پتانسیل‌های دیگر منطقه، بالا بودن سهم بخش کشاورزی است. بالا بودن سهم این بخش به واسطه‌ی مجاورت شهرستان از سمت جنوب با ساحل دریای عمان است. منطقه به واسطه داشتن حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی از کرانه‌های آبی دریای عمان دارای مزیت نسبی در بخش صید و صیادی و آبی‌پرووری است. در حال حاضر بنادر چابهار و کنارک قطب شیلات استان به شمار می‌روند که با دارا بودن ۸ بندر ماهیگیری و ۳ مرکز تخلیه صید

تأمین کننده بیش از ۶۰ درصد ماهیان صنعتی کشور (تن ماهیان)، ۴۲ درصد سهم صید بین استان‌های جنوبی و ۴۰ درصد صید کل کشور هستند. بنا بر آمار کمیسیون تن ماهیان اقیانوس هند منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند (IOTC) که وظیفه مدیریت ماهیگیری را بر عهده دارد، این دو بندر مهم با صید سالانه بیش از ۱۷۰ هزار تن انواع ماهی رتبه دوم میزان صید و صیادی را در اقیانوس هند) بعد از کشور اندونزی (دارند، این یعنی چابهار و کنارک علاوه بر این که بیشترین میزان صید بنادر کشور را دارا هستند، قطب صید و صیادی شرق آسیا نیز محسوب می‌شوند. در بنادر چابهار و کنارک ۹۳۰ فروند لنج فراساحل و هزار و ۴۰۰ فروند قایق صید و صیادی فعالند که باز هم بنا به آمار رتبه دوم تعداد ناوگان صیادی بعد از کشور سریلانکا در اقیانوس هند را دارا هستند. همچنین صید و صیادی برای بیش از ۲۴ هزار نفر صیاد دایمی و فصلی به طور مستقیم و سه برابر این میزان در ۱۰۷ کارخانه صنعت شیلات سیستان و بلوچستان به صورت غیر مستقیم اشتغال زایی کرده که نشان از اهمیت بخش ماهیگیری در اقتصاد منطقه و استان دارد (طرح آمایش استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷). کشت گلخانه‌ایی از دیگر پتانسیل‌های این منطقه در حیطه کشاورزی است. شهرستان‌های چابهار و کنارک با میانگین دمای ۱۶ تا ۳۲ درجه، بهترین موقعیت در زمینه محصولات کشاورزی گرمسیری لوکس و سودآور صادراتی نظیر موز و انبه، خرما و مرکبات را دارا هستند. منطقه بویژه شهرستان کنارک شرایط مطلوبی دارد که می‌تواند به ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به این محصولات از جمله بسته بندی و فرآوری منجر شود. صنایع کشتی‌سازی، لنج‌سازی و صنایع وابسته به شیلات، دلیل مهارتی که بومیان این منطقه در این صنایع دارند، از پتانسیل‌های قابل توجه این منطقه است. با این وجود هرچند شهرک‌های صنعتی وابسته شیلات و صنایع لنج‌سازی و ... در این منطقه فعالیت می‌کنند اما طبق گزارش طرح آمایش استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ شهرک‌های صنعتی این منطقه جزء مناطق کمتر توسعه یافته هستند. فعالیت‌های صنعتی در منطقه به کارگاه‌ها و صنایع کوچک محدود شده، به گونه‌ای که سطح نازل تکنولوژی و بهره‌گیری از ابزارآلات ساده، خصوصاً کارگاهی، میزان ارزش افزوده پایین، استفاده از نیروی انسانی غیر ماهر و یا نیمه ماهر، تعداد اندک نیروی شاغل، ویژگی قریب به اتفاق آن‌ها را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه این منطقه یک منطقه ساحلی است بنابراین پتانسیل برای تاسیس صنایع

سنگین و آب‌بر مانند فولاد و پتروشیمی را دارد. در حال حاضر شرکت پتروشیمی توسعه نگین مکران در منطقه چابهار به عنوان قطب آتی توسعه صنعت پتروشیمی به ثبت رسیده است و مشغول فعالیت است. ساخت مجتمع فولاد چابهار نیز از سال ۱۳۹۳ در زمینی به گستره ۳۰۰ هکتار در پیکره هشتم صنعتی منطقه آزاد چابهار آغاز شده و در مرحله نخست تاکنون ۱۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. نیاز به تشریح اینکه فولاد و پتروشیمی فعالیت‌های رو به افولی هستند و منطقه بر اساس سه مولفه تشخیص منطقه‌ای، ادغام ملی و رقابت‌پذیری، نیاز به طراحی یک استراتژی توسعه صنعتی برای منطقه بر محور توسعه درون‌زا دارد که یک مولفه آن می‌تواند بیوتکنولوژی باشد. چون این رشته فعالیت‌های آینده دار بر محور بیوتکنولوژی، بیشترین اتکاء را به منابع انسانی و مادی محلی دارد.

دسترسی منطقه به دریای آزاد و دارا بودن شرایط لازم برای عبور کالاهای صادراتی کشورهای همسایه از طریق بندر چابهار مزیت ترانزیتی عالی برای منطقه است. موقعیت سوق الجیشی و اقتصادی ویژه به دلیل آنکه سواحل چابهار (دریای عمان) بخشی از راه مواصلاتی خلیج فارس و مناطق نفت خیز آن با اقیانوس هند، شرق دور، دریای مدیترانه و اروپاست که می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود و چابهار به عنوان یک بندر ذینفع عامل بازدارنده‌ای از طرف دشمن است (طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران، ۱۳۹۶). طی چند دهه گذشته خلیج فارس در مقیاس جهانی تبدیل به دریای جنگ شده است. با وجود وابستگی، پیوستگی و نزدیکی خلیج فارس و دریای عمان، دریای عمان و سواحل پیرامونی آن از نظر ملاحظات ژئواستراتژیک آرام‌تر، باثبات‌تر و امن‌تر باقی مانده است. از این رو، میزان امنیت این کرانه نسبت به کرانه‌های خلیج فارس بسیار بالاتر است (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۵۰). کرانه‌های شهرستان چابهار و کنارک از منظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی، موقعیت نسبی، ژرفای آب‌های ساحلی، تعدد خورها، نزدیکی بدون واسطه به بنادر اصلی آسیا و ده‌ها امتیاز دیگر، بهترین ساحل ایران به ویژه از نقطه نظر تجارت و بازرگانی بین‌المللی، شیلات و صنایع، ویژه است (همان: ۱۳۶). از این رو این منطقه (چابهار) می‌تواند به عنوان نقطه مبدا توسعه شرق محسوب شود.

کارشناسان حمل و نقل سه دهلیز ترانزیتی را در سال ۱۹۹۳ در هیلسینکی فنلاند پیشنهاد کردند که از آن جمله دو دهلیز شمال-جنوب و شرق-غرب از ایران عبور می‌کند. بنابراین،

بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان دارای منافع ترانزیتی استثنایی است، چون این بندر به عنوان دروازه عمده ترانزیت بین این دو دهلیز عمل می‌کند. این بندر به عنوان یک پل بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (ECO) و کشورهای عضو اتحادیه جنوب شرق آسیا (ASEAN) و دیگر مناطق جهان برای ترانزیت و صدور کالاها و انرژی موقعیت دارد که جایگاه استثنایی ترانزیتی این بندر را تقویت می‌کند. در میان دهلیزهای مختلف ترانزیتی، مسیر چابهار کوتاهترین و اقتصادی‌ترین مسیر به افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی است» (متفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۵). با این وجود در شرایط فعلی تعاملات عملکردی بندر چابهار با سایر کشورهای جهان، بیشتر منحصر به کشورهای حوزه دریای عمان و خلیج فارس شده است. از جمله بنادر مهم این حوزه می‌توان به بندرهای خلیفه، دبی، شارجه، خصیب، صحرار و مسقط اشاره کرد. علاوه بر کشورهای واقع در حوزه خلیج فارس و دریای عمان، در حال حاضر بندر چابهار با برخی از سایر بنادر جهان همچون بندر سانتوز، کوالالامپور، جاکارتا و گلدستون تعامل دارد که بجز بندر سانتوز همگی در حوزه آسیای جنوبی و جنوب شرقی واقع هستند. در زمینه صادرات نیز بیشترین صادرات کالا از مبادی گمرکی موجود در منطقه در ارتباط با کشور پاکستان است (۸۲ درصد). در درجه بعدی بیشترین صادرات منطقه با کشور بنگلادش است که البته در مقایسه با کشور پاکستان چندان رقم قابل توجهی را نمایش نمی‌دهد (۵,۳۶ درصد). حجم بالای صادرات منطقه به کشور پاکستان عمدتاً مرتبط با صدور محصولات نفت، گاز و پتروشیمی، مواد غذایی و مصالح ساختمانی است. در زمینه واردات نیز بیشترین واردات به منطقه از سه کشور کره جنوبی، پاکستان، چین و امارات متحده عربی است که نمایش دهنده تعامل بیشتر منطقه با این کشورهاست.

آمار صادرات کالا در سال ۱۳۹۶ بر اساس گمرکات منطقه و کشورهای طرف معامله (ارزش دلاری)

شرح	بازارچه مرزی ریمدان	گمرک چابهار	منطقه آزاد چابهار	درصد
پاکستان	۱۳۹۴۲۷۳۱,۷۳	۸۸۰,۶۰۹	۱۳۴۸۵۰۰	۸۲,۲۲
بنگلادش	۰	۱۹۱۱۲۵۰	۰	۵,۳۶
عراق	۰	۶۹۰,۳۷۰	۴۵۲۱۰۰	۳,۲۰
ترکیه	۰	۰	۹۵۳۰۷۲	۲,۶۷
امارات متحده عربی	۰	۶۳۳۵۰۱	۸۹۶۲۸	۲,۰۳

منطقه آزاد چابهار	۰	۰	۴۹۱۵۱۲	۱,۳۷
روسیه	۰	۱۲۷۶۹۷	۰	۰,۳۵
عراق	۸۸۴۱۳	۰	۰	۰,۲۴
هنگ کنگ	۰	۱۶۰۰۰	۰	۰,۰۴
پاراگوئه	۷۲۱۴	۰	۰	۰,۰۲
سایر کشورها	۷۱۴۰	۰	۰	۰,۰۲
عمان	۰	۴۱۶۰	۰	۰,۰۱
جمع کل	۱۴۰۴۵۴۹۸,۷۳	۴۲۶۳۵۸۶	۳۳۴۸۱۲	۱۰۰

آمار واردات کالا در سال ۱۳۹۶ بر اساس گمرکات منطقه و کشورهای طرف معامله (ارزش دلاری)

شرح	بازارچه مرزی ریمدان	گمرک چابهار	منطقه آزاد چابهار	سهم
کره جنوبی		۱۱۷۱۵۱۲۹	۱۶۸۰۰۹۶۴۷	۳۰,۱۸
چین		۱۲۸۴۶۴۰۵,۱۹	۱۴۱۴۱۴۱۳۷,۴	۲۵,۸۵۱
پاکستان	۸۵۵۲۵۰۲,۵		۲۲۴۶۰۹۸	۱۵,۵۵۴
امارات متحده عربی		۷۷۴۵۹۳۷,۲۸	۵۱۲۵۸۵۵۸,۱۷	۹,۸۸۸
برزیل		۳۱۲۶۹۱۰۹	۶۷۴۳۹	۵,۲۵۱
هند		۲۳۵۵۹۸۲۲,۲۵	۳۲۱۸۴۷۹,۹	۴,۵۱۱
سیشل		۶۴۵۴۵۲۳,۲۰۹		۱,۰۸۲
ترکیه			۳۲۱۸۴۷۹,۹	۰,۵۳۹
اندونزی		۱۳۴۳۵۶۹	۹۵۹۸۱۲	۰,۳۸۶
عمان		۱۶۳۷۴۷۲		۰,۲۷۴
آفریقای جنوبی			۱۴۵۶۴۵۴	۰,۲۴۴
تایوان			۱۳۷۶۴۲۱	۰,۲۳۳
تایلند			۱۳۲۴۱۸۳	۰,۲۲۲
آلمان			۵۷۳۵۹۰	۰,۰۹۶
ایتالیا			۵۲۸۶۳۸,۴۴۰۸	۰,۰۸۹
اسپانیا		۴۳۸۶۴۰	۶۵۸۷۱	۰,۰۸۵
نیوزلند		۴۰۵۱۰۹		۰,۰۶۸
ژاپن			۳۴۶۹۰۰	۰,۰۵۸
لهستان			۲۶۷۶۶۰	۰,۰۴۵
نروژ		۱۸۶۸۷۷		۰,۳۱
یوگسلاوی			۱۴۲۵۸۰	۰,۲۴
مالزی			۱۱۹۹۱۹	۰,۲۰

۰,۰۱۵	۸۸۳۵۰			کانادا
۰,۰۱۴	۸۰۸۸۵			سریلانکا
۰,۰۱۳	۸۰۱۳۷			بلغارستان
۰,۰۰۸	۴۵۹۳۳			جمهوری چک
۰,۰۰۴	۲۳۵۳۴			انگلستان
۰,۰۰۴	۲۲۸۸۰			روسیه
۰,۰۰۲	۱۰۵۸۳			ایالات متحده
۰,۰۰۱	۸۱۰۰			افغانستان
۱,۰۴۵	۶۲۳۴۶۹۹,۰۶			سایر کشورها
۰,۰۱۹	۱۱۴۵۸۸			منطقه آزاد کیش
۴,۲۱۰	۲۴۱۹۵۴۰۲,۱	۹۲۴۷۵۶		منطقه آزاد چابهار
۱۰۰	۴۰۷۶۴۲۶۶۶,۸	۹۸۵۲۷۳۴۸,۹۳	۸۵۵۲۵۰۲,۵	جمع کل

منبع: طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران (۱۳۹۶)

۳-۲- رقابت پذیری بین‌المللی

در بحث رقابت‌پذیری بین‌المللی، این منطقه یکی از مناطق مهم و حیاتی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. موقعیت جغرافیایی ویژه این منطقه نقش ژئوپولیتیک با اهمیتی به آن بخشیده است و باعث توجه قدرت‌هایی مانند هند و چین در این منطقه شده است. برای هند بندر چابهار به معنی ادامه حضور در یک رقابت جهانی به خصوص در مقابل چین است به همین دلیل تنها کشوری است که به طور جدی به سرمایه‌گذاری در این بندر ورود کرده است و نزدیک به سه دهه است که به دنبال توسعه بندر چابهار است. در همین راستا «هند مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار (۱۰۰۰ کروڑ هندی) را در مرحله اول توسعه بندر چابهار سرمایه‌گذاری خواهد کرد که شامل اعطای ۱۵۰ میلیون دلار وام از اگزیم بانک برای سازمان بنادر دریایی ایران است، برای ساختن باراندازها و لنگرگاه‌های کشتی در چابهار. شرکت دولتی بین‌المللی (IRCON) با شرکت حمل و نقل و زیرساخت (CDTIC) تفاهم نامه‌ای را به امضاء رسانده تا مسیر چابهار به زاهدان را با هزینه ۱,۶ میلیارد دلار احداث نماید. کشور هند همچنان اعلام کرده که در نظر دارد یکی از بزرگترین بنادر هند (بندر کندالا در ایالات گجرات) را به بندر چابهار وصل کند و نیز شرکت نالکو قراردادی را امضا کرده است که تسهیلات دو و نیم میلیون تن آلومینیوم را در منطقه آزاد تجاری چابهار فراهم

کند و گاز طبیعی ارزان را در اختیار ایران قرار خواهد داد (متفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۶). از آنجایی که عمده بارهایی که هند می‌خواهد به افغانستان و آسیای میانه بفرستد با تناژ بالا و طی مسافت طولانی ریل پسندند، پذیرفته است در خط آهن چابهار-زاهدان-سرخس نیز سرمایه‌گذاری کند. به دلیل اختلاف هند با همسایگانش؛ پاکستان و چین، راه تجاری این کشور از طریق بندر چابهار به آسیای مرکزی، بازار ایران و ترکیه باز می‌شود و به این ترتیب می‌تواند رقیب خود، پاکستان را که راه‌های حمل و نقل هند در منطقه را بسته، دور بزند. در واقع بندر چابهار به هند کمک خواهد کرد تا تجارت خود را با کشورهای آسیای مرکزی به بیشترین حد ممکن برساند. «در حال حاضر هند به دلیل محدودیت‌های دسترسی به آسیای مرکزی، در مقایسه با کشورهای عمده منطقه مانند چین، روسیه و ترکیه در تجارت عقب مانده است. به عنوان مثال تجارت هند با قزاقستان، بزرگترین شریک تجاری این کشور، در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، به ۳۱۵ میلیون دلار می‌رسید؛ در حالیکه حجم تجارت هند با ازبکستان در سال ۲۰۱۴ به ۳۵ میلیون دلار می‌رسید. برعکس تجارت دوجانبه چین و قزاقستان در سال ۲۰۱۳ به ۲۲/۵۳ میلیارد دلار بود. گردش مالی چین با ازبکستان در سال ۲۰۱۴ به ۴/۷۵ میلیارد رسیده بود. بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها، هند می‌تواند از طریق آسیای مرکزی و افغانستان به ارزش ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد کسب کند. پس از تأمین دسترسی هند به آسیای مرکزی و افغانستان از طریق بندر چابهار، این کشور می‌تواند حجم تجارت خود را افزایش داده و سطح تجارت خود را به افزایش دهد» (همان: ۱۰).

بندر چابهار همچنین اهمیت فراوانی از لحاظ ژئوپولیتیکی و البته تجاری و ترانزیتی برای کشور محصور در خشکی افغانستان دارد که همواره یکی از دغدغه‌های جدی آن دسترسی به آب‌های آزاد بوده است. «اکنون چابهار برای افغانستان به عنوان کشوری محصور در خشکی و نیز کشوری که بیش از چهل سال است که مسیر ترانزیت و تجارت آن تقریباً به طور انحصاری در اختیار یکی از همسایگان بوده است، نمادی از استراتژی‌های بلندپروازانه دولتی است که می‌خواهد محاصره اقتصادی و انحصار مسیرهای تجاری را در هم بشکند. به همین خاطر گشایش بندر چابهار اگر برای همسایه غربی و نیز برای هندوستان بیشتر اهمیت اقتصادی و تجاری دارد و یک استراتژی معطوف به منافع اقتصادی و تجاری به شمار می‌رود، برای افغانستان اهمیت سیاسی و ژئوپولیتیکی آن بالاتر از هر چیز دیگر

است» (گزارش اقتصادی افغانستان، ۱۳۹۸: قابل دسترسی در سایت: www.worldbank.org). هرچند که ایران و پاکستان اعلام کرده‌اند به دنبال همگرایی با هم در بندر گوادر و چابهار هستند و این دو بندر را خواهر خوانده هم خوانده‌اند، اما این دو بندر در معادلات ژئوپولیتیکی رقیب هم به شمار می‌آیند. بندر گوادر واقع در ۱۷۰ کیلومتری چابهار از موقعیت استراتژیک برخوردار است. گوادر، درست مانند چابهار، به دنبال ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی است (متفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۹). چابهار مزیت‌های مستقیم و غیرمستقیمی نسبت به رقیب استراتژیک خود، گوادر دارد. چابهار نسبت به گوادر برای توسعه مطمئن‌تر است. عدم امنیت در بلوچستان پاکستان که گوادر نیز در آن واقع است از معضلات این بندر است. فعالیت گروه‌های تروریستی مانند طالبان و القاعده باعث عدم امنیت در بلوچستان پاکستان و منطقه اطراف گوادر شده است و دولت پاکستان در این منطقه توانایی برقراری امنیت مسیرهای ترانزیتی را ندارد. هر چند در چابهار نیز فعالیت‌های تروریستی و انتحاری اتفاق می‌افتد اما به شدت بندر گوادر نیست و حکومت در ایران کاملاً به اوضاع این منطقه مسلط است. چابهار همچنین نسبت به گوادر به‌صرفه‌تر است. دسترسی از طریق این بندر به جاده ابریشم و سپس کشورهای آسیای میانه به دلیل کوهستانی بودن و صعب‌العبور بودن مناطق سخت و هزینه‌بر است. از طریق چابهار دسترسی به این مناطق راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر است. در واقع «بندر گوادر تنها از نظر تجارت ترانزیت با ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان می‌تواند با چابهار رقابت کند و دیگر مناطق این ناحیه در فاصله خیلی دوری از گوادر قرار دارند، بنابراین ترانزیت از طریق گوادر برای دیگر کشورها اصلاً به صرفه نیست. بررسی فاصله‌های ترانزیتی این سه کشور این موضوع را تایید می‌کند. کوتاهترین مسیر جاده بین گوادر و عشق‌آباد ۲۵۶۵ کیلومتر است بنابراین گواده از این نظر نسبت به چابهار (۲۳۰۴) دارای عدم مزیت است. کوتاهترین مسیر مواصلاتی بین گوادر و تاشکند، مسافتی نزدیک به ۲۹۱۲ کیلومتر دارد که نسبت به چابهار ۱۹۸ کیلومتر از لحاظ فاصله دارای مزیت است. کوتاهترین مسیر جاده‌ای بین گوادر تا دوشنبه (۲۲۴۶ کیلومتر) نسبت به چابهار با اختلاف ۲۱۳ کیلومتر، دارای مزیت است. بنابراین گوادر برای ترانزیت به تاجیکستان و ازبکستان از لحاظ مسافت جاده‌ای نسبت به چابهار دارای مزیت است اما در مورد ترکمنستان و افغانستان شرایط به نفع چابهار است. از طرف دیگر، کشورهای دیگر

آسیای میانه (قزاقستان و قرقیزستان) و کشورهای بالقوه برای ترانزیت کالا مثل روسیه و آذربایجان دارای فاصله زیادی تا گوادر هستند و این بندر برای ترانزیت بین کشورها شانس کمتری نسبت به چابهار دارد» (شهنوازی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). با این وجود بندر گوادر از نظر حجم سرمایه‌گذاری و سطح توسعه وضعیت بهتری نسبت به بندر چابهار دارد. در حالی که سرمایه‌گذاری هند در چابهار بسیار کند پیش می‌رود چین توانسته است سرمایه‌گذاری ۶۲ میلیارد دلاری را در بندر گوادر شروع کند که تاکنون ۱۴ میلیارد دلار از حجم سرمایه‌گذاری خود را وارد میدان کرده است. «موضوعیت یافتن توسعه بندر گوادر به قرارداد توافق اقتصادی میان چین و پاکستان (CPEC) باز می‌گردد که در سال ۲۰۱۵ میان دو طرف به امضا رسیده و بخشی از این توافق به توسعه بندر گوادر باز می‌گردد. سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده اولیه از سوی چین برای کریدور اقتصادی CPEC رقمی حدود ۴۶ میلیارد دلار برآورد شده بود که بعدها این رقم به ۵۴ میلیارد دلار افزایش یافت. در قالب اجرای این پروژه عمرانی - تجاری سنگین، شبکه گسترده‌ای از بزرگراه‌ها و راه‌آهن‌ها به عنوان بخشی از طرح دالان اقتصادی در سرتاسر پاکستان ساخته خواهند شد. شبکه‌های جدید حمل و نقل که به عنوان جزئی از طرح دالان اقتصادی ساخته خواهند شد، بنادر گوادر و کراچی را به شمال پاکستان، و نیز غرب چین و آسیای میانه متصل خواهند کرد. چین همچنین بیش از ۳۳ میلیارد دلار در زمینه زیرساخت‌های انرژی در پاکستان سرمایه‌گذاری خواهد شد تا از مشکل کمبود مزمن انرژی در پاکستان بکاهد» (ترابی و پورتجریشی، ۱۳۹۷). با توجه به رقابت و کشمکش‌های ژئوپلیتیکی که میان کشورهای هند، چین، پاکستان و افغانستان و میان همه آن‌ها با آمریکا - اروپا و روسیه وجود دارد و نقش تعیین‌کننده‌ایی که این منطقه می‌تواند در این کشمکش‌ها داشته باشد، استفاده درست و بجا از این موقعیت می‌تواند نقش بی‌بدیلی در توسعه منطقه، استان و کشور ایفاء کند. همچنین این موقعیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران در مقابل کشورهای مورد اشاره و بویژه افغانستان در زمینه مشکلات آبی که بین دو کشور وجود دارد را افزایش دهد.

۳-۳- ادغام ملی

در بحث ادغام ملی می‌توان گفت، فاصله طولانی با مراکز عمده جمعیتی مرکز کشور و ضعیف بودن زیرساخت‌های حمل و نقل باعث شده است تا این منطقه در همه زمینه‌ها به

نحوی مجزا از بدنه کشور باشد. در زمینه اقتصادی تاکنون نتوانسته از پیامدهای مثبت ارتباط با مراکز عمده تولیدی کشور و نیز بازارهای مصرف اصلی داخلی بهره‌مند شود. از طرف دیگر ضعف زیرساخت‌ها در کنار نبود یا کمبود امنیت باعث شده است که سرمایه‌گذاران ریسک سرمایه‌گذاری در این منطقه را به آسانی نپذیرند. سرمایه‌گذاری‌های خارجی از جمله کشور هند در منطقه نیز تا این لحظه عملی نشده است. دخالت دولت در سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه نیز تاکنون موفق نبوده است. این را می‌توان از وضعیت توسعه منطقه درک کرد. به گونه‌ایی که این منطقه از نظر شاخص‌های توسعه یکی از محروم‌ترین مناطق ایران محسوب می‌شود و فاصله زیادی از نظر سطح توسعه با بقیه مناطق کشور دارد. میزان باسوادی شهرستان چابهار در سال ۱۳۹۵ در جمعیت ۶ ساله و بیشتر ۶۷ درصد و در شهرستان کنارک ۷۳ درصد بوده است (پایین‌ترین نرخ بیسوادی در کشور) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). آب شرب دو شهرستان بوسیله شیرهای عمومی در سطح شهر توزیع می‌گردد. وضعیت برخورداری از آب آشامیدنی سالم در شهرستان چابهار ۳۹/۱۸ درصد و در کنارک ۷۷/۱۴ درصد است، این نسبت در کشور ۹۱/۳۰ درصد است (طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران، ۱۳۹۶). دو شهرستان از نعمت گاز لوله‌کشی محروم هستند. در زمینه وضعیت بهداشت و درمان منطقه دو شهرستان چابهار و کنارک وضعیت مطلوبی ندارند. این دو شهرستان مشترک یک بیمارستان ۱۵۶ تختی دارند که در شهرستان چابهار است. لازم به ذکر است که جمعیت دو شهرستان نزدیک به چهارصد هزار نفر است. و فاصله منطقه تا مرکز استان حدود ۶۲۵ کیلومتر است. تا سال ۱۳۹۵ هیچ پزشک فوق تخصصی در این دو شهرستان نبوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در برخی از محلات این دو شهرستان ساکنین در سکونتگاه‌هایی بنام کپر که از حصیر درست می‌شود سکونت دارند. ساکنین این کپر‌ها اغلب تهیدستان و پایین‌ترین اقشار اجتماع هستند. بنا به گفته مدیرکل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان جمعیت ساکن در مناطق حاشیه نشین استان ۴۴۱ هزار و ۶۲۵ نفر بوده که به طور میانگین ۴۱ درصد جمعیت شهرهای استان را شامل می‌شود و این امار در چابهار ۵۰ درصد، و کنارک ۴۵ درصد است (www.isna.ir). در سال ۱۳۹۶ نواحی روستایی شهرستان‌های چابهار و کنارک در کنار نواحی روستایی شهرستان‌های مهرستان (زابلی)، زاهدان و نیکشهر از استان سیستان و بلوچستان فقیرترین نواحی کشور (نواحی

دارای بالاترین نرخ سرشماری فقر) بوده‌اند و نواحی روستایی این شهرستان‌ها دارای نرخ سرشمار فقر بالاتر از ۸۰ درصد بوده‌اند. (www.eghtesadonline.com). از طرف دیگر قرار گیری منطقه بر کرانه دریای عمان و ارتباط نزدیک آن با کشورهای حوزه خلیج فارس و پاکستان و قرابت فرهنگی و زبانی بویژه با کشور پاکستان باعث شده است که مردم این منطقه بسیاری از نیازهای خود را از این کشورها تامین کنند. کمبود امکانات بهداشتی و بیمارستانی در این منطقه و هزینه‌های بالای درمانی در ایران در کنار بعد مسافت و از طرف دیگر خدمات بیمارستانی ارزان و حتی رایگان در پاکستان و نزدیکی راه باعث شده است که بسیاری از مردم این منطقه برای مشکلات بهداشتی - درمانی خود به پاکستان سفر کنند. در کنار این موارد رفتار غلط مسئولان در برخورد با مردم بلوچ یکی دیگر از دلایل اصلی است که بلوچ‌ها تا این لحظه امیدی به رفع مشکلات خود بویژه بیکاری، در کشور و حتی استان سیستان و بلوچستان نداشته‌اند و ترجیح داده‌اند به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. «امید به افزایش درآمد و بهتر شدن وضع زندگی، رخداد بلایای طبیعی، کم آبی و خشک شدن نهرها و قنات‌ها، وجود زمینه‌های لازم برای پیشه و کار در کشورهای عرب در حوزه خلیج فارس، وجود برخی قرابت‌های فرهنگی و اجتماعی میان مکران و کشورهای عرب منطقه از مهمترین دلایل مهاجرت از این منطقه به کشورهای همسایه است که در این میان سه چهارم مهاجرت‌ها بیشتر بر اثر انگیزه‌های اقتصادی انجام می‌گیرد همچنین سن مهاجران بین ۱۵ تا ۳۵ سال است یعنی در سن کار و فعالیت قرار دارند» (رئیس، ۱۳۸۵: ۱۷۶). در بسیاری از موارد مسئولان در زمینه استخدام‌ها و به طور کلی مشارکت بلوچ‌ها در مدیریت منطقه بی‌طرف نبوده‌اند و مسائل قومی و مذهبی را دخالت داده‌اند. طبق بررسی‌های انجام گرفته در منطقه مورد پژوهش در اکثریت ادارات دولتی و بخش خصوصی جمعیت بلوچ در اقلیت هستند. در این منطقه به طور آشکاری اکثریت جمعیت که بلوچ هستند در مدیریت و مشارکت در امور نادیده گرفته می‌شوند. با وجود نیروی‌های تحصیل کرده و متخصص در بین جمعیت بومی هرچند به صورت کم، باز هم فرصت برابر در بکارگیری در امور کارها به آن‌ها داده نمی‌شود. جمعیت بلوچ در این منطقه با مشکل دوگانه‌ای روبروست؛ یکی عدم اعتماد حکومت مرکزی به آن‌ها و دیگری رقابت محلی بین بلوچ‌های سنی مذهب و سیستانی‌های شیعه. البته بدون تردید نمی‌توان این پدیده را مطلق و یکسویه دید و از

زاویه کاستی‌ها و بسترهای سوء تفاهم برانگیز از ناحیه طرف‌های دیگر ماجرا نیز می‌بایست در پژوهش‌های بی‌طرفانه کارشناسی مورد ارزیابی قرار گیرد. «سیستانی‌ها از لحاظ دین و مذهب، نژاد و زبان دارای تجانس بیشتری نسبت به بدنه اصلی ملت ایران هستند. که در این میان مذهب نقش مهمی را بازی کرده و می‌کند. قوم سیستانی به این واسطه تجانس و همراهی بیشتری با پیکره اصلی کشور و حکومت جمهوری اسلامی ایران دارد و در صحنه‌های مختلف به حمایت از کشور و حکومت برخاسته است. به عنوان یک شاخص در حمایت از حکومت می‌توان به تعداد بالای شهدا، جانبازان و آزادگان سیستان اشاره کرد. حکومت جمهوری اسلامی نیز تمایل و نزدیکی بیشتری نسبت به سیستانی‌های شیعه نشان داده است و تعداد زیادی از مسئولین استان سیستانی هستند به طوریکه به نسبت جمعیت خود بالاترین و بیشترین و حساسترین پست‌های سیاسی، مدیریتی و امنیتی و نظامی استان در دست سیستانی‌ها قرار دارد و همین مسئله باعث ایجاد نارضایتی‌هایی در بین نخبگان و مردم بلوچ و ایجاد اختلال در رابطه و اعتماد بین دو قوم ساکن در این استان شده است» (امیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۸). از طرف دیگر بلوچ‌ها در سطح ملی هم در پست‌های اجرایی به کار گمارده نمی‌شوند. طبق آمار «از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۵ سرانه مقامات اجرایی ارشد استان‌ها (روسای جمهور و وزیران) کلاً سهم استان سیستان و بلوچستان است صفر است» (www.eghtesadonline.com). این مسئله باعث ایجاد حساسیت در جمعیت بومی شده است و اعتراضاتی را نیز بدنبال داشته است؛ به گونه‌ایی که در چند سال اخیر «مردم بومی به شدت نگران حضور گسترده غیربومیان در منطقه و بویژه پتروشیمی مکران بودند که در نهایت این نگرانی‌ها و اعتراضاتی باعث شد تا مسئولان نشستی با بزرگان طوایف، و معتمدین محلی منطقه داشته باشند و بر انجام تعهدات اجتماعی تاکید داشته باشند» (www.cfzo.ir). خوشبختانه همه طرف‌های این ماجرا به تجربه تاریخی و بویژه طی سال‌های اخیر دریافته‌اند که تشدید اختلاف‌های قومی - مذهبی در منطقه؛ به گونه‌ای که منطقه را به دو قسمت شیعه و سنی تقسیم کند، به طوری که بی‌اعتمادی دو طرفه و مشکلات فرهنگی و امنیتی را نیز به دنبال داشته است؛ نه به نفع منطقه است و نه به نفع کشور، در مسیر اتفاق نظر هستند، اما به نظر می‌رسد که این مساله حیاتی نیز باید با رویکرد برنامه‌ایی و بر محور آموزه توسعه درون‌زا، اقدامات و دستاوردهای عملی مشخص را فراروی ما قرار بدهد.

این پژوهش درصدد بررسی ابعاد توسعه درونزا در شهرستان‌های چابهار و کنارک بر اساس سه معیار تشخیص منطقه‌ایی، ادغام ملی و رقابت‌پذیری بین‌المللی بوده است. شواهد ارائه شده حاکی از آن است که با وجود پتانسیل‌های فراوان این منطقه در زمینه‌های اقتصادی، ژئوپولیتیکی، ترانزیتی و ... بخش قابل توجهی از این ظرفیت‌ها در شرایط کنونی مغفول مانده است. در نتیجه، با وجود همه تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، این منطقه همچنان در همه زمینه‌ها در زمره توسعه نیافته‌ترین مناطق کشور می‌باشد. به گونه‌ایی که این منطقه دارای عقب‌مانده‌ترین شرایط از نظر سواد، فقیرترین منطقه کشور، داشتن بیشترین جمعیت حاشیه نشین کشور نسبت به جمعیت منطقه، توسعه نیافته‌ترین منطقه کشور از لحاظ بهداشتی، دسترسی به آب آشامیدنی، لوله کشی گاز و ... است. این منطقه بعد از سال‌ها هنوز به شبکه ریلی کشور متصل نشده است و ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی علاوه بر اینکه باعث انزوای منطقه از کشور شده است موفقیت چندانی در بهره‌گیری از امتیازات ژئواستراتژیکی خود بویژه ترانزیت کالا به خارج نیز برای منطقه نداشته است. نبود زیرساخت‌های اساسی در زمینه راه‌ها و ضعف در ارائه خدمات گردشگری و مسائل امنیتی باعث شده است که این منطقه نتواند از پتانسیل‌های گردشگری نیز بهره‌برد. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه این منطقه در صنعت شیلات و آبی‌پروری، شهرک‌های صنعتی وابسته به این صنعت که در این منطقه فعالیت می‌کنند توسعه نیافته، فرسوده و ناکارآمد هستند. تعاملات عملکردی این منطقه (بندر چابهار) با سایر کشورهای جهان، ضعیف است و بیشتر منحصر به کشورهای حوزه دریای عمان و خلیج فارس شده است. این منطقه در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی تاکنون موفق نبوده است. با وجودی که چین توانسته است سرمایه‌گذاری ۶۲ میلیارد دلاری را در بندر گوادر؛ رقیب استراتژیک چابهار شروع کند و تاکنون ۱۴ میلیارد دلار از حجم این سرمایه‌گذاری را وارد میدان کند، اما در غیاب یک برنامه راه‌گشای توسعه درونزا و استمرار بلا تکلیفی‌ها حتی سرمایه‌گذاری هند در چابهار با وجود معاف بودن این بندر از تحریم‌های فعلی آمریکا تا کنون به مرحله عمل نرسیده است. اگر توسعه بندر چابهار پا به پای گوادر پیش نرود ممکن است باعث تضعیف هرچه بیشتر موقعیت ترانزیتی و ژئوپولیتیکی منطقه در آینده شود. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری‌ها

زیادی که تا کنون در روند توسعه این منطقه صورت گرفته است، فاقد رویکرد مبنایی جلب مشارکت مردم بومی بوده و آثار عملی آن نیز توسط جامعه بومی لمس نشده است و باعث سرخوردگی، ناامیدی و ضعیف شدن سرمایه اجتماعی در این منطقه که بخش اعظمی از آن‌ها منجر به مهاجرت بسیاری از جوانان منطقه به کشورهای همسایه شده است که ناامنی و تشدید شکاف‌های قومی - مذهبی را به دنبال داشته است. برای برون رفت از دور باطل توسعه نیافتگی در این منطقه توجه به پتانسیل‌های منطقه و فراهم کردن شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بر برنامه‌های مشارکت محور برای استفاده از این پتانسیل‌ها، اتخاذ رویکرد توانمندسازی و تقویت پیوندهای ارگانیک میان جمعیت بومی (بلوچ) و سیستانی‌ها و سایر ایرانیان و مشارکت همه آن‌ها بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی ملی و منطقه خود در دستور قرار گیرد. بلوچ‌ها باید بتوانند در تقسیم کار ملی نیز مشارکت فعال‌تری داشته باشند و مسوولیت‌هایی که توانایی انجام دادن آن را در سطح ملی و منطقه -ایی دارند، را بتوانند انجام بدهند و از سطح ملی بیشترین نیازهایشان را تامین بکنند. در حالی که تا الان بخش بزرگی از نیازهای آن‌ها از کشورهای همسایه بویژه پاکستان تامین می‌شود. برای نیل به این هدف در مرحله اول باید پیوندهایشان با مناطق استان افزایش پیدا بکند، در مرحله بعدی داد و ستد با استان‌های همجوار و در آخر با سایر مناطق کشور در کادر برنامه توسعه درون‌زا ارتقاء یابند.

۵- فهرست منابع

- آرون، ریمون (۱۳۶۷)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، جلد دوم، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- افراخته، حسن (۱۳۷۵)، نقش چابهار در ناحیه ساحلی جنوب شرق ایران، مشهد: نشر واقفی.
- امیری، هاشم، عباس علیپور و مصطفی هاشمی (۱۳۹۶)، تحلیلی بر عملکرد جمهوری اسلامی در ساماندهی محدوده فضائی جنوب شرق کشور، فصلنامه سیاست، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۱۵.
- استیمسون، رابرت، راجر آر. استاو با همکاری ماریا سالازا (۱۳۹۷)، توسعه □ درونزای منطقه‌ای: رهبری و نهادها، ترجمه محمد حسین شریف‌زادگان و بهزاد ملک‌پور اصل، تهران: نی.
- ترابی، مهدی و مهدی پورتجریشی (۱۳۷۱)، بندر گوادر پاکستان شمشری دوله در برابر ایران: قابل دسترسی در سایت www.nasimonlin.ir.
- رئیس، محمد کریم (۱۳۸۵)، علل و پیامدهای مهاجرت از نواحی جنوبی بلوچستان (مکران) به کشورهای

- عرب در حوزه خلیج فارس، مجله اطلاعات سیاسی □ اقتصادی، شماره ۲۳۳ و ۲۳۴.
- عملکرد و برنامه‌های توسعه منطقه آزاد چابهار، ۱۳۸۱، نشر مدیریت مطالعات و برنامه ریزی.
- علاقه بند، علی (۱۳۸۰)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ بیست و نهم، تهران: نشر روان.
- قریشی، یوسف و هادی صادقی اول (۱۳۹۷)، انگاره همبستگی قوم بلوچ پاکستان و تاثیرات آن بر قومیت بلوچ در شرق ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵.
- متفی، عبدالغدير، بهرام امیراحمدیان و گلشن ساچدوا (۱۳۹۷)، تحلیل استراتژیک بندر چابهار؛ روابط افغانستان، ایران و هند، موسسه مطالعات استراتژیک افغانستان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- مدیری، مهدی، مهرداد کرمی و مصطفی رشیدی (۱۳۹۱)، موقعیت ژئوپولیتیکی منطقه آزاد چابهار و تأثیر آن بر شکل‌گیری توسعه □ منطقه‌ای، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۳.
- مطلبی، مسعود (۱۳۸۶)، بن‌مایه‌های همبستگی ملی در قانون اساسی، زمانه، شماره ۶۳.
- کریمی‌پور، یداله (۱۳۹۴)، جغرافیا نخست در خدمت صلح، تهران: انتخاب.
- کریمی‌پور، یداله (۱۳۸۸)، ژئوپولیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- گریفین، کیت (۱۳۷۵)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، تهران، نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳)، دورکیم، ترجمه یوسف اباذری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- شهینوازی، آرمان (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی بندر آزاد چابهار با بندر گوادر در پاکستان از لحاظ عملکرد اقتصادی و سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان، (۱۳۹۵)، درگاه ملی مرکز آمار ایران.
- طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران (۱۳۹۶)، وزارت راه و شهرسازی.
- نصیری، حسین (۱۳۹۲)، تعامل، منطقه‌ای، ملی و جهانی؛ ظرفیت سازی پایدار برای توسعه و امنیت ملی با تاکید بر محور شرق و چابهار، تهران: وزارت خارجه.
- Arocena, J. (1995) Local development: a contemporary challenge, Caracas: Nueva Sociedad.
- Aydalot, P. (1985) Regional and urban economics, Paris: Economica.
- UNESCO (1997), Culture and Development, Word Commission on Culture and Development. Paris.
- zquez-Barquero, A. (2002), endogenous development: Networking, innovation, institutions and cities: First published 2002 by Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE.
- Vazquez Barquero, A. (2007), Endogenous development. Theories and policies territorial

development, Regional Investigations. 11 - Pages 183 to 210, PANORAMA AND DEBATES Section.

- Caotri, Huynh, R. Colin, S. S. Mushi, K. Franco, G. Kolkar, M. E. Shabu, M. DIAO, Participate In Development, Unesco, 1986.
- Friedmann, J. and Douglas, M. J. (1978): Agropolitan development: toward a new strategy for regional planning in Asia, in F. Lo and K. Salih (eds.), Growth Pole Strategy and Regional Planning Development Policy. Oxford: Pergamon.
- Stohr, W. B. (1981), Development from Below: the Bottom-up and Periphery-inward Development Paradigm. IIR-Discussion Papers, 6. WU Vienna University of Economics and Business, Vienna. Available at: <https://epub.wu.ac.at>.
- Pike, A. Rodriguez-post, A. and Tomaney, J. (2006) Local and Regional Development, Routledge.

www.eghtesadonline.com.

www.isna.ir.

www.cfzo.ir.

www.pajhwok.com.

1. Local factors
2. Public policy
3. Domestic actors
4. Hegemony
5. Mechanical Solidarity
6. Organic Solidarity